



تجدیدارزیابی داراییهای ثابت:

هدف و انگیزه

گفتگو با

آقای علی محمد بُد

مدیر عامل شرکت توسعه سرمایه و صنعت غدیر

حسابداری

جنابعالی از معدود حسابداران هستید که حضور پررنگ و مؤثری در مدیریت واحدهای اقتصادی و مشارکت مستقیم در تصمیم‌های راهبردی کسب‌وکار در سطح مدیریت بنگاه داشته‌اید. افزون بر این، تجربه گرانبهایی در زمینه بهره‌گیری از دانش و تخصص حسابداری در اداره امور بنگاه دارید. انتقال دیدگاه مدیران باتجربه و موفق به حسابداران، به‌ویژه نسل جوان آنها، اهمیت زیادی دارد که رسانه حسابرس آن را به‌عنوان یکی از وظایف مهم خود قلمداد می‌کند.

موضوع تجدیدارزیابی داراییهای ثابت در چند سال اخیر در کشور ما از موضوعهای مناقشه‌برانگیز بوده است. واحدهای اقتصادی، سازمان بورس، سازمان مالیاتی، و مراجع حسابداری هر کدام این موضوع را از زاویه و دیدگاه خاصی دنبال کرده‌اند که آثار مهمی بر سرمایه‌گذاران حال و آینده داشته است.

ابتدا تصویری از اهمیت و ضرورت موضوع تجدیدارزیابی داراییهای ثابت ارائه کنید تا خوانندگان با این موضوع مهم بیشتر آشنا شوند. چرا شرکتها به فکر تجدیدارزیابی داراییهای ثابت می‌افتند و قواعد و ضوابط حاکم که در تجدیدارزیابی باید رعایت شود، کدامست؟

داراییهای ثابت (به خصوص ماشین آلات صنعتی) است. همچنین این موضوع که تجدیدارزیابی یک قلم از داراییهای ثابت منجر به الزام برای تجدیدارزیابی تمامی اقلام آن طبقه خواهد شد، مشکلها و هزینههای زیادی در مورد شرکتهای مادر تخصصی و هلدینگ دربر خواهد داشت، به نحوی که برای رعایت یکنواختی رویههای مورد عمل در شرکتهای گروه، تجدیدارزیابی یک قلم در یک شرکت زیرمجموعه منجر به الزام تجدیدارزیابی تمامی طبقههای مشابه در شرکتهای گروه می شود که ممکن است با توجه به هدف از انجام تجدیدارزیابی در شرکت اول، توجیه و یا دلایل مربوط در مورد دیگر شرکتهای گروه مصداق پیدا نکند.

سازمان

تجدیدارزیابی داراییهای ثابت مشهود، باید به وسیله ارزیابان مستقل و دارای صلاحیت حرفه ای انجام شود. چه مشکلاتی در این زمینه در کشور ما وجود دارد؟ آیا ارزیابان حرفه ای کشور ما اعتبار بین المللی دارند و آیا امکان استفاده از ارزیابان حرفه ای خارجی که اعتبار بین المللی دارند برای تجدیدارزیابی داراییهای ثابت وجود دارد؟

بُد

همانگونه که در پاسخ به پرسش پیشین شما اشاره کردم، ارزیابی برخی داراییها به وسیله کارشناسان داخلی و دستیابی به ارزش منصفانه (به خصوص ماشین آلات صنعتی) دارای ابهامها و ایرادهایی است که البته در صورت استفاده از کارشناسان خارجی بین المللی، می تواند به نتیجه های مطلوب تر و صحیح تری منجر شود. برای مثال، ارزیابی ارزیابان داخلی در مورد برخی از ماشین آلات تخصصی (که گاهی نمونه مشابهی هم در کشور ندارد) ممکن است با مشکلات و یا برآوردهای اشتباهی انجام شود که در صورت استفاده و به کارگیری ترکیبی از کارشناسان و ارزیابهای داخلی و خارجی، به نتیجه های دقیق تر و مطلوب تری خواهد انجامید. اما تأکید می کنم که استفاده از کارشناسان خارجی و بین المللی هزینه های سنگینی را برای شرکتهای در پی خواهد داشت.

بُد

در مقدمه ابتدا در راستای بررسی وضعیت و اهمیت موضوع تجدیدارزیابی داراییهای ثابت باید بگویم که با توجه به وجود تورم بالا و تغییرهای نرخ ارز در سالهای اخیر؛ ارقام داراییهای غیر پولی مندرج در ترازنامه شرکتهای (که به بهای تمام شده تاریخی انعکاس یافته است) تفاوت معنی دار و بالایی با ارزش روز (منصفانه) داراییهای مزبور پیدا می کند که این موضوع، بر ویژگی مربوط بودن اطلاعات ارائه شده در قالب صورتهای مالی (به عنوان یکی از معیارهای کیفی اطلاعات) تأثیر مهمی دارد؛ از اینرو، با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران انجام تجدیدارزیابی داراییهای ثابت در فواصل زمانی منظم (هر ۳ یا ۵ سال مطابق استانداردهای حسابداری ایران) ضروری به نظر می رسد و از موضوعهای بسیار مهم و مفید مطرح در شرایط فعلی اقتصادی است.

سازمان

استاندارد حسابداری شماره ۱۱ برای داراییهای ثابت، اندازه گیری پس از شناخت به روش تجدیدارزیابی یعنی ارزش منصفانه را مجاز می شمرد که البته برای آن شرایطی قائل است. آیا روش تجدیدارزیابی و شرایط مطرح شده در استاندارد (مانند تعیین ارزش منصفانه، تناوب تجدیدارزیابی، بهای جایگزینی مستهلک شده، تجدیدارزیابی تمام اقلام یک طبقه از دارایی) با شرایط و نیازهای اقتصادی کشور مطابقت دارد و کاربردپذیر است؟ به عبارت دیگر، تجدیدارزیابی با رعایت ضوابط استاندارد حسابداری با چه مشکلاتی مهمی روبه روست؟

بُد

عمده شرایطی که در استاندارد شماره ۱۱ مطرح شده منطقی و اصولی است، اما اعمال برخی شرایط از جمله تعیین ارزش منصفانه دارایی به وسیله ارزیاب مستقل دارای صلاحیت، با توجه به ماهیت دارایی به وسیله کارشناسان داخلی مستقل و ذیصلاح، با مشکل هایی روبه رو است که در نهایت ممکن است به برآورد مبالغ تقریبی و ذهنی برای دارایی منجر شود. از اینرو، یکی از چالشهای اصلی تجدیدارزیابی داراییهای ثابت تعیین و برآورد قابل دفاع و اثبات ارزش منصفانه

تغییری در وضعیت عملکردی شرکت ایجاد نمی‌کند و چه بسا با توجه به افزایش مبلغ داراییها (حاصل از تجدیدارزیابی) و در نتیجه، افزایش هزینه استهلاک آنها، سود سنوات آینده را نیز کاهش خواهد داد.

از اینرو، بحث هدف و انگیزه انجام آن یکی از موضوعهای بسیار مهم و اساسی در طرح موضوع تجدیدارزیابی و انجام افزایش سرمایه از محل مازاد یادشده، است. این که چه شرکتهایی مجاز به انجام افزایش سرمایه از محل یادشده هستند، جای بحث و کنکاش دارد. در ابتدا باید برنامه کسب و کار (Business plan) مربوط تدوین شده و مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود هدف از انجام افزایش سرمایه چیست و چه تغییرهایی در عملکرد و فعالیتهای آینده شرکت ایجاد خواهد کرد. به طور مثال، برخی شرکتهای با توجه به قرار گرفتن در مراحل ابتدای چرخه عمر فعالیت خود با زیانهای اجتناب‌ناپذیری روبه‌رو شده‌اند که در صورت اصلاح زیان انباشته و ساختار مالی، شرکت امکان دریافت تسهیلات و گسترش فعالیتهای سودآوری را خواهد داشت که در این صورت افزایش سرمایه از محل مازاد تجدیدارزیابی چنین شرکتهایی مناسب ارزیابی می‌شود. از طرفی برخی از شرکتهای دیگر نگرش متفاوتی نسبت به این موضوع دارند؛ بدین شکل که با توجه به شرایط رکود اقتصادی فعلی، دچار زیانهای انباشته و حتی مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت شده‌اند، اما پیش‌بینی آنها از شرایط آینده این است که در چند سال بعد احتمال پایان شرایط رکود و ایجاد رونق اقتصادی وجود خواهد داشت؛ از اینرو با تجدیدارزیابی داراییهای ثابت و افزایش سرمایه از محل تجدیدارزیابی، افزون بر اصلاح ساختار مالی و خروج از ذیل ماده ۱۴۱ قانون تجارت، در انتظار بهبود شرایط کسب و کار در سالهای آینده هستند.

همچنین دیدگاه دیگری درباره تجدیدارزیابی و افزایش سرمایه از محل یادشده، بحث واگذاری شرکتهای داخلی به سرمایه‌گذاران خارجی است. برخی شرکتهای داخلی که قصد واگذاری به شرکتهای بزرگتر داخلی یا خارجی دارند، نسبت به تجدیدارزیابی و افزایش سرمایه از محل یادشده اقدام می‌کنند که این عمل باعث به‌روز شدن ارقام ریالی ثبت‌شده

ارزیابی برخی داراییها

به‌وسیله کارشناسان داخلی و

دستیابی به ارزش منصفانه

(به‌خصوص ماشین‌آلات صنعتی)

دارای ابهامها و ایرادهایی است که

البته در صورت استفاده از

کارشناسان خارجی بین‌المللی

می‌تواند به نتیجه‌های مطلوب‌تر و

صحیح‌تری منجر شود

سازمان

نحوه برخورد با مازاد تجدیدارزیابی نیز از موضوعهای بحث‌برانگیز بوده است. استانداردهای حسابداری ضمن آن که مازاد تجدیدارزیابی را به‌عنوان بخشی از حقوق صاحبان سهام می‌شناسند، استفاده از آن برای افزایش سرمایه را نمی‌پذیرند. البته، استاندارد حسابداری ایران در صورتی که قانون آن را تجویز کند، آن را می‌پذیرد. طرح موضوع افزایش سرمایه از محل مازاد تجدیدارزیابی از کجا ناشی می‌شود؟ موافقان و مخالفان آن کدامند و چه استدلالی درباره آن دارند؟

بُد

بدیهی است که تجدیدارزیابی داراییها و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدیدارزیابی در شرایط شرکت تغییری ایجاد نخواهد کرد، چرا که افزایش سرمایه یادشده تنها در راستای اصلاح اقلام ترازنامه و ساختار سرمایه شرکت بوده و در عمل

سازمان

نقش و موضع سازمان بورس در مورد تجدیدارزیابی داراییهای ثابت به وسیله شرکتهای پذیرفته شده و نحوه برخورد شرکتهای با مازاد تجدیدارزیابی چیست؟ رویکرد سازمان بورس چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

بُد

با توجه به شرایط مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس، به نظر می رسد سازمان بورس برای اصلاح ساختار مالی و ترازنامه شرکتهای و همچنین ایجاد تحرک بیشتر در خرید و فروش سهام، تمایل دارد مصوبه قانونی معافیت مالیاتی افزایش سرمایه از محل تجدیدارزیابی را تمدید کند که در نهایت این امر می تواند منجر به بهبود ساختار مالی و افزایش مقطعی تقاضا در خرید سهام شرکتهای شود، ولیکن این موضوع در کنار مزایای اشاره شده، در صورت اجرا بدون بررسی شرایط شرکتهای متقاضی می تواند منجر به گمراهی برخی سهامداران ناآگاه شود.

برخی سهامداران حاضر در بورس، در این زمینه اطلاعات و دانش کافی ندارند و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدیدارزیابی را نوعی تغییر در وضعیت مالی و سودآوری شرکتهای می دانند، در صورتی که مازاد تجدیدارزیابی و افزایش سرمایه از محل آن تنها حاصل تغییرهای قیمتی دارایی بوده و با سطح عملکرد ارتباطی نداشته و حتی ممکن است شرکتهای سودده را در اثر افزایش هزینه استهلاک سنوات آینده (ناشی از تجدیدارزیابی و افزایش قیمت داراییها) به شرکتهای زیانده تبدیل کند. به عبارتی، تجدیدارزیابی و افزایش سرمایه از مازاد مربوط، همانند تیغی دو لبه است که در صورت به کار نرفتن صحیح، نتیجه های عکس در بر خواهد داشت.

حال، در نقطه مقابل یکی از نقاط ضعف سازمان بورس در خصوص موضوع افزایش سرمایه از محل تجدیدارزیابی داراییها، سختگیری های افراطی و موانع بسیار زیاد آن در راستای اعطای مجوز افزایش سرمایه به شرکتهای (حتی شرکتهای سهامی خاص) است که در نهایت باعث شد بسیاری از شرکتهایی که دارای شرایط (طبق بندهای پیش گفته) نیز هستند، امکان استفاده از تسهیلات قانونی را پیدا نکرده و در عمل این امکان از آنها سلب شد. از اینرو، انتظار بر این است

داراییها خواهد شد و در عمل ارقام ترازنامه (و به تبع آن، هزینه استهلاک و ارقام صورت سود و زیان) به نحو صحیح تر و مربوط تر ثبت و انعکاس خواهد یافت و زمینه را برای ارزشیابی مناسب و صحیح تر شرکت فراهم می آورد.

سازمان

سیاست سازمان مالیاتی در ارتباط با موضوع تجدیدارزیابی و مازاد تجدیدارزیابی در طول چند سال گذشته، آنگونه که در قوانین و آیین نامه های مرتبط با قوانین آمده است، به نظر یکنواخت نمی رسد. ارزیابی شما از سیاست سازمان مالیاتی و آثار اقتصادی آن سیاستها بر بنگاه های اقتصادی چیست؟ آیا آخرین مصوبه هیئت وزیران، یعنی آیین نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۴۹ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴ همه مشکل های احتمالی را پاسخ داده است؟

بُد

تصمیم گیری های موردی، کوتاه مدت و مقطعی منجر به سردرگمی و افزایش ریسک سرمایه گذاران می شود. با توجه به وجود مصوبه قانونی مبنی بر معافیت مالیاتی افزایش سرمایه از محل تجدیدارزیابی داراییها تا پایان سال ۱۳۹۴ برخی شرکتهای از مصوبه یاد شده استفاده کردند و برخی دیگر از شرکتهای با توجه به زمانبر بودن فرایند مزبور موفق به استفاده از مصوبه یاد شده تا پایان سال ۱۳۹۴ نشدند که این امر تبعیض و تفاوتی را در وضعیت صورتهای مالی و قدرت تأمین مالی شرکتهای ایجاد کرده که مطلوب به نظر نمی رسد. آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۹ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴ هم در عمل تنها امکان تجدیدارزیابی و انعکاس مازاد حاصل به عنوان یک رقم جداگانه در حقوق صاحبان سهام را مجاز شمرده (که مشمول مالیات نخواهد بود) که در صورت انتقال به حساب سرمایه و انجام افزایش سرمایه از محل یاد شده، به عنوان درآمد تحقق یافته تلقی و مشمول مالیات خواهد بود. کما این که، پیش از این هم طبق استانداردهای حسابداری ایران افزایش سرمایه از محل مازاد تجدیدارزیابی مجاز نبود و باید با عنوان مازاد تجدیدارزیابی در قالب رقم جداگانه در قسمت حقوق صاحبان سهام انعکاس یابد.

از سازمانها و نهادهای پیشگفته برای بررسی و ارزیابی منافع کلان ملی ضروری است تا به جای نگرش سطحی هر سازمان از نگاه خود، به یک نگاه کلی در راستای منافع ملی دست بیابیم.

سازمان

شما چه پیشنهادی برای مدیران بنگاههای اقتصادی دارید؟ آیا تجدیدارزیابی را در شرایط کنونی توصیه می‌کنید؟ و اگر چنین نظری دارید، تجدیدارزیابی با چه ملاحظه‌هایی باید همراه باشد تا بهترین منافع را برای بنگاه دربر داشته باشد؟

بُد

با توجه به مطالبی که در پرسشهای این گفتگو مطرح شد، به نظر اینجانب ماهیت و محتوای تجدیدارزیابی و افزایش سرمایه از محل مزبور با در نظر گرفتن معافیت مالیاتی، به خودی خود اقدام مثبت و مناسبی خواهد بود، اما همانگونه که در پاسخهایم نیز اشاره کردم آثار و دلایل این اقدام و برنامه کسب و کار شرکتها باید حتماً و به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد تا هدف و آثار بالقوه انجام آن مشخص شود. بدین ترتیب، تنها این امکان در اختیار شرکتهایی قرار می‌گیرد که امکان گسترش فعالیت، سودآوری و عملکرد مثبت از این بابت برای آنها فراهم باشد. در این شرایط، شرکتهایی که در واقع شایسته مساعدت و گسترش فعالیت هستند امکان استفاده از مصوبه پیشگفته را خواهند داشت و سرانجام این شرایط از دیدگاه کلان منجر به ایجاد رونق، افزایش اشتغال و سودآوری شرکتهای مزبور و در نهایت افزایش منابع مالیاتی خواهد شد.

سازمان

مایل بودیم به رسم گذشته، مسائل و پیچیدگیهای موضوع تجدیدارزیابی را به صورت رو در رو و با حضور مسئولان مالیاتی، سازمان بورس و ... در یک میزگرد بررسی و دیدگاههای گوناگون را به چالش بکشیم که متأسفانه امکانپذیر نشد. امیدواریم در آینده چنین فرصتهایی را از دست ندهیم و از حضور و مشارکت شما بهره بیشتری به خوانندگان عزیز برسانیم.



که سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر در راستای تسهیل و گسترش فعالیت شرکتها و همچنین حمایت از حقوق سهامداران و سرمایه‌گذاران، امکان اعطای مجوز لازم به شرکتهایی که صلاحیت دارند را تسهیل کند.

سازمان

هماهنگی بین مراجع مختلفی که تصمیم‌های آنها تأثیر مستقیم بر حیات بنگاه اقتصادی دارد، برای سلامت اقتصاد کشور بسیار مهم است. آیا در موضوع تجدیدارزیابی داراییهای ثابت بین تصمیم‌های مراجع مختلف هماهنگی کامل وجود دارد؟ چه اختلافهای مهمی بین مواضع آنها دیده می‌شود؟

بُد

در پاسخ به این پرسش شما باید بگویم اینطور برداشت می‌شود که بین مقامهای مالیاتی، مرجع تدوین استانداردهای حسابداری و همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار هماهنگی لازم وجود ندارد. از اینرو، این نبود هماهنگی (برخلاف قوانین و مقررات وضع شده قبلی همچون قانون رفع موانع تولید) به ضرر شرکتهای ذیصلاح، سرمایه‌گذاران و سهامداران منجر خواهد شد. سازمان حسابرسی به عنوان مرجع تدوین استانداردهای حسابداری در ایران با توجه به ماهیت و محتوای موضوع، مزاد تجدیدارزیابی را یک نوع درآمد تحقق نیافته تلقی می‌کند که تنها در زمان برکناری، فروش و یا مرور زمان، تحقق می‌یابد و قابل انتقال به حساب سودوزیان انباشته و یا سرمایه نیست. از طرفی، سازمان بورس به منظور رفع تنگناها و موانع مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس، امکان افزایش سرمایه از محل مزاد تجدیدارزیابی، اصلاح ساختار مالی و فراهم شدن شرایط برای شرکتها برای استفاده از تسهیلات مالی و گسترش فعالیتها را مد نظر قرار داده است. همچنین سازمان امور مالیاتی به عنوان ضلع سوم مثلث یادشده، به طور عمده در راستای افزایش منابع مالیاتی و تسریع در دریافت آن منابع حرکت می‌کند و هرگونه افزایش سرمایه از محل مزاد تجدیدارزیابی داراییها را بدون درنگ مشمول مالیات تلقی نموده و مالیات مربوط را مطالبه می‌کند. با توجه به موارد عنوان شده در قبل به نظر می‌رسد تشکیل کارگروهی مشترک